

## نقد فرمایشات اعلیحضرت در

### برنامه افق ایران

## (اینجا کاشون نیست که کپه با فعله باشد)

### (قسمت پنجم)

امیرفیض- حقوقدان

بخشی از این تحریر در رابطه با موقعیت آقای نادردرمانی در «افق ایران» است.

\*\*\*

در بیانات اعلیحضرت تأکیدی همراه با قدردانی از آقای نادردرمانی وجود داشت. بمناسبت آنکه ایشان متحمل تمام هزینه های «افق ایران» هستند. از آنجا که خیلی اصرار است تا شفاف بودن و صداقت و حقیقت در همه امور نمایان باشد و این اصرار، بدان معناست که حقیقت در آن چیزی است که مدعی عنوان میفرمایند، و وقتی انسان در مقابل هر عنوانی، حقیقت را نمی بیند، که تدلیس و تقلب و خلاف و نا اصل را به عینه می بیند، آنوقت «اگر ساکت نشستی آن گناه است».

### کپه با فعله

از ضرب المثل (کپه با فعله است) بدین جهت بعنوان کلید این تحریر استفاده شده است که این اصل معمول و متداول، مستند قرار گیرد که هزینه هرکاری بر عهده کارفرماست نه عمله های آن کار.

در تحریرات سابقه، به کرات به این موضوع بسیار قابل اهمیتی پرداخته شده که مبارزه اپوزیسیون و خاصه اقدامات سیاسی اعلیحضرت و بالطبع شورای تجزیه طلبان ایشان سخت در مهارسیاست آمریکاست و درکمال تاسف استقلال فکری و اعتقادی که لازمه وجود مبارزه سیاسی است، در مبارزه اپوزیسیون دیده نمیشود.

به این نمونه ها برای اثبات عدم وجود اعتقاد سیاسی توجه فرمائید.

★ در برنامه «افق ایران» اعلام شد که «افق ایران» درباره نوع رژیم بحثی ندارد.

این بدان معناست همانطور که در قطعنامه شورای تجزیه طلبان اشاره ای به نوع رژیم کشورنشده و شورا را منتزع از اعتقاد سیاسی ساخته، «افق ایران» هم همان روش را دنبال خواهد کرد بنابراین شورا و افق و همه وابستگان آن فاقد اعتقاد سیاسی و فکری مشخص متاثر از نص بوده و شورا و افقش در نقش اجرائی خواست و هدفی که با هدف و اظهارات شخصیت های آمریکائی نسبت به ایران هماهنگ است عمل میکند یعنی عمله اجرائی هستند نه متفکر سیاسی.

★ در سایت اعلیحضرت می بینیم که آمده (طرفداران رضاپهلوی)

در مبارزه سیاسی دمکراتیکی، فرد مطرح نیست عقیده و اعتقاد است که مطرح میباشد و وقتی عقیده و اعتقاد نبود، فرد، مطرح میگردد و طرح فرد هم به اعتبارات چیزهائی است که هرچه باشد به اعتقاد

شخص ربطی ندارد و به کلامی دیگر، انسانها از طریق اعتقاد به پیوند های ناشی از رابطه رهبری، مریدی و امثال آنها می‌رسند نه از نظر جسمانی، طرفداری جسمانی کار سیاسی نیست.

خبرگزاری ها خبر داده اند که آقای زلاتان ملی پوش سوئدی ۹۰ هزار طرفدار در دویا فلان خواننده تعداد کثیری هوادار دارد اسباب این نوع طرفداری ها ناشی از امور جسمانی است نه فعالیت سیاسی.

اگر از طرفداران رضاپهلوی پرسش شود که به چه دلیل طرفدار ایشان هستید؟ قادر نخواهند بود عقیده سیاسی ثابت و منجزی که ناشی از نص و سنت حقوق سیاسی باشد از رضاپهلوی ارائه دهند و لاجرم فصل نسب ایشان و فرزند شاهنشاه ایران و سنت شاهدوستی ایرانی معیارهای طرفداری از ایشان شناخته میشود و این کار طرفداری سیاسی نیست.

★ نمونه بسیار پیش پا افتاده همان نامه شورابه خامنه ای است که از سوی ایرانیان اقدامی عجیب و غیر قابل انتظار شناخته شد خاصه که قبل از آن رئیس شورا، سید علی را در صندلی اتهام قابل تعقیب دانسته بود.

علت بی انگاری تحریرنامه مزبور به خامنه ای، نبود اعتقاد و استقلال سیاسی و کاربرد آن در شورای تجزیه طلبان و بیشتر تاسی از سیاست آمریکا بوده است.

علت نامه مزبور این بود که علیرغم مخالفت جمهوریخواهان، سیاست باراک اوباما بر نوشتن نامه از سوی او به سید علی خامنه ای قرار گرفت. آقای اوباما در اوائل سال ۸۸ اولین نامه محرمانه خودش را به سید علی نوشت و قبل از اینکه نامه چهارم اوباما به سید علی اعلام شود شورای تجزیه طلبان در جهت سیاست آمریکا نامه مبتدل ولی واجد مفاهیم حقوقی مهمی را به سید علی نوشت درست مصداق (به دست ننه نگاه کن و غریبه کن).

باری به دلیل اینکه کلیه فعالیت سیاسی و باصطلاح مبارزاتی شورای تجزیه طلبان، برای تحقق اهداف آمریکا در مورد ایران است و برنامه «افق ایران» هم یکی از همان وسایل (کپه) برنامه است و در واقع شورا و افکش عمده محسوب میشوند لذا هزینه های شورا و افکش و هر نوع هزینه ای که پیش آید به عهده آمریکاست نه ایرانیها، آنهم فقط یکی بنام آقای درمانی.

### وجود تشابه در هدف

اصولا یکی از طرق اثبات و پیوستگی دو موضوع و یا حرکت، وجود تشابه در هدف و مسیر است.

در حالیکه ماده ۱۱ قطعنامه شورای تجزیه طلبان و نیز هدف انتخابات آزاد و دموکراسی آن شورا

با اظهارات شخصیت ها و طرح های آمریکا هماهنگ و مشابه است، دلیل ندارد که هزینه های آن حرکت به حساب آمریکا قرار نگیرد و گفته شود خیر در آمریکا هم مانند کاشان قدیم کپه با فعله است.

### نگاهی به طرح پنتاگون در راستای آنچه عرض شد

طرح پنتاگون برای تغییر مسالمت آمیز در ایران بنام «طرح دموکراسی در ایران» و شامل مسائل تامین عملیات مالی - عملیات مخفی علیه ایران است که توسط سناتور براون بک افشا شد وی گفته است ۵۰ میلیون دلار برای حمایت از گروه های مخالف ایران اختصاص خواهد داد.

شاهد و مستند را ملاحظه می‌فرمائید؟ و باز هم می‌فرمائید که هزینه‌های سرسام آور افق و شورای تجزیه طلبان را آقای نادردرمانی می‌دهند؟ آنهم بایرات شفاف، شفاف، معمولاً شیاف برای شاف کردن یک اندازه ای دارد به این بزرگی که حضرات ادعا دارند قابل شاف کردن نیست.

اگر جوهره‌زینه‌های شورای تجزیه طلبان «افق ایران» بوسیله آقای درمانی کشیده می‌شود پس آن ارقام ۵۰ میلیون و ۷۲ میلیون قانون آزادی آمریکا و چند ۲۰ میلیون دلار مصوبه کنگره آمریکا برای کمک به آزادیخواهان و اپوزیسیون جمهوری اسلامی به کجارفته و می‌رود؟

این شیوه پنهان کاری رایج و معمول عموم کسانی است که از بیگانه مزد عملگی دریافت می‌کنند و محل درآمد خود را مخفی می‌کنند چه افراد و چه رسانه‌های گروهی در این میان فقط «افق ایران» است که موقعیت استثنائی یافته که آقای درمانی را گنج قارون باد آورده بسوی افق و شورای تجزیه طلبان معرفی کند.

با وجود اینکه قضیه بشرح بسیار مختصری که آورده شد باید پایان این تحریر شناخته شود ولی چون متصدیان شفاف به این سادگی، دست بردار نیستند باب قضاوت نسبت به موضوع هم گشوده می‌شود تا خوانندگان این تحریر، هیئت منصفه نسبت موضوع باشند.

### حقیقت در نقش آقای درمانی

از آقای نادردرمانی سابقه سیاسی و یافعالیت سیاسی در خارج از کشور دست نیست؛ الا اینکه در یکی از برنامه‌های تلویزیون اندیشه نام ایشان به میان آمد و مهارت‌های مالی خاصی به ایشان نسبت داده شد. بنابراین آنچه بعنوان مستند در این تحریر آمده از مراتبی است که اندیشه آنرا اعلام داشته است

### معلومات برای هیئت منصفه.

- ۱- تلویزیون اندیشه که در گروه رسانه‌های تصویری جزء ابوابجمعی آمریکا شناخته می‌شود از بعد از جریان ندا آقاسلطان وارد کار سیاسی شد.
- ۲- آقای نادردرمانی صاحب امتیاز تلویزیون اندیشه معرفی شده است که به مدیریت آقای فروزنده اداره می‌شده و امروز آقای پرویز کاردان آنرا اداره می‌کند.
- ۳- به اعلام آقای فروزنده، آقای درمانی یک سلطنت طلب است و خود آقای فروزنده جمهوریخواه است و این مطلب را هم به شخص اعلیحضرت گفته اند.
- ۴- تلویزیون اندیشه ماهیانه ۱۲۰ هزار دلار هزینه و ۷۰ هزار دلار درآمد دارد و ظرف دو سال گذشته ضرر مزبور مرتباً ماهیانه از سوی آقای درمانی پرداخت شده است.
- ۵- آقای درمانی سلطنت طلب، آقای کورش عرفانی را برای مدتی به مدیریت بخشی از تلویزیون اندیشه دعوت بکار کرده اند. آقای عرفانی از مخالفین سرسخت و بیشرم رژیم سلطنتی ایران است که صریحاً به علیاحضرت عنوان فاحشگی داده است و آقای فروزنده شرح آنرا در مصاحبه اش گفته است.<sup>۱</sup> (تحریر- گفتگوی دو همکار)

۱- به گفته‌های آقای فروزنده در سیرکی با شرکت خودش و علیرضا میبیدی، در رابطه با (علی اکبر ملا جانی- نام دانشجویی اش) کوروش پارسا و بعداً کوروش عرفانی - جهانگیر افشاری را اینجا ببینید. پشتوانه او علی عباسی مشهور به سیاوش اوستا شارلاتان است.

[https://www.youtube.com/watch?v=b\\_CvA-ci0GA](https://www.youtube.com/watch?v=b_CvA-ci0GA)

کوروش عرفانی چندین نام در مسیر تلاش هایش عوض کرده است. این گزارش در گذشته به آگاهی همگان رسیده است. ح-ک

- ۶- آقای فروزنده از قول آقای نادر درمانی گفته که <من (درمانی) حاضر نیستم زنده باشم و یک گوشه ایران تجزیه شود - من دیگر به ایران برو نیستم ولی میخواهم کاری لااقل کرده باشم>.
- ۷- آقای فروزنده نگران است که با برکناری ایشان بوسیله درمانی مدیر جدید اندیشه در جهت شورای ملی نباشند.
- ۸- فروزنده مدعی است که یک سازمان سیاسی معروف از آقای درمانی مخ شونی کرده است.
- ۹- در اظهارات فروزنده جمله ای است که بسیار در چپه ها از آن باز میشود میگوید:

<دردمکراسی ما نمیتوانیم بپای خودمان شلیک کنیم - اگر طرفدار تجزیه ایران نیستیم، فرصت تجزیه طلبی را نباید در تلویزیون فراهم کنیم>

### مسئله کار هیئت منصفه

شاید بتوان مبنا و مآخذ تصمیم هیئت منصفه نسبت به امری را در این نیم بیتی یافت.

### **آنچه بر خونی پسندی بر دیگران میسند**

هیئت منصفه که بر اساس انصاف و وجدان اظهار نظر مینماید، در این تحریر، خوانندگان محترم میباشند که در جایگاه هیئت منصفه قرار داده میشوند.

❖ معمول بر این است که اعضای هیئت منصفه در تصوری قیاس ذهنی، خودشان را جای متهم میگذارند تا به بینند که اگر بجای متهم بودند همان عملی را که متهم کرده مرتکب میشدند یا خیر و بر این مبنا و استعمال از وجدان خود رای منصفانه میدهند.

اکنون برای احراز اینکه آیا داستان پرداخت هزینه های شورای تجزیه طلبان و «افق ایران» و تلویزیون اندیشه از طرف یک ایرانی بنام آقای نادر درمانی میتوان قابل قبول شناخته شود، یا خیر موضوع به انصاف و تجربه خوانندگان این تحریر احاله میشود.

❖ ادعا شده که آقای درمانی ماهیانه ۵۰ هزار دلار ضرر شبکه تلویزیونی اندیشه را میپردازد و این حالت ضرر و جبران آن از طرف آقای درمانی حداقل سه سال است ادامه دارد.

ایا تجربه کاری و زندگی خوانندگان محترم این ادعا را تایید میکند؟ وقتی آگاه باشید که آقای درمانی یک فروشنده ماشین در مونترال کانادا است عدم توازن درآمد و شغل ماشین فروشی با ماهیانه ۵۰ هزار دلار ضرر یک فرستنده تلویزیونی آنهم سالها شماره ترید در اصالت ادعا فرا نمیخواند؟

تشابه این ادعا این است که کسی که در همسایگی شما زندگی مجلی دارد («افق ایران») یک خانه در پاریس و یکی هم در لس آنجلس با خدمه متعددی دارد مدعی شود که هزینه های زندگی او و خانه ها و حقوق خدمه اش رایک پیرزنی که در شهر دیگری نخ ریسی میکند میپردازد و اصرار هم دارد که شما آنرا باور کنید شما در اصالت این ادعا شک روا نمیدارید؟

❖ ممکن است این توهم فراهم شود که آقای درمانی بواسطه عشق به سلطنت و مخالفت با جمهوری اسلامی از سرمایه و دارائی های خودش ضرر متوالی اندیشه را تامین میکند و از آنجاکه <انسان هائی هستند که در راه عقیده و ایمان جان خودشان را میدهند> ماهیانه ۵۰ هزار دلار چیز قابلی نیست.

اما این تصورواهی با شهادت آقای فروزنده به اینکه کورش عرفانی مخالف سرسخت و بی حیای سلطنت، از طرف آقای درمانی به مدیریت بخشی از اندیشه منصوب شده است بافته های ذهنی شمارا باطل میسازد.

**آیا شما اگر سلطنت طلب معتقد و با ایمان باشید یک کسی که مخالف سلطنت و از مخالفت با سلطنت و اتهام فاحشگی کسب شهرت کرده است به همکاری خودتان و یا سرمایه گذاری برای موفقیت و شهرت او دعوت مینمایید؟**

❖ شهادت آقای فروزنده میگوید که آقای درمانی گفته است <حاضر نیستم که زنده باشم ولی یک گوشه ایران تجزیه شود>.

ولی می بینیم که همین آقای درمانی از اعضای اجرائی و مدیریت شورای تجزیه طلبان است (قسم حضرت عباس و یا دم خروس) آیا شما این تعارض را یک امر غیر عادی نمیدانید؟

از آقای درمانی نقل شده که گفته <من به ایران برونیستم ولی میخواهم کاری برای ایران کرده باشم>.

آیا کاری برای ایران کردن عضویت اجرائی شورای تجزیه ایران و حمایت مالی برای تجزیه ایران است؟

تصور نفرمائید که تردیدی برای آقای درمانی و یا تلویزیون اندیشه و یا آقای فروزنده در ارتباط مستقیم قطعنامه شورا (ماده ۱۱ آن) با تجزیه کشور وجود دارد؛ خود آقای فروزنده علاوه بر آنکه ارتباط قاطع آنرا بیان کرده این عبارت را هم گفته.

<.....اگر طرفدار تجزیه کشور نیستم، فرصت تجزیه طلبی را نباید در تلویزیون فراهم کنیم>

یعنی اگر آقای درمانی آنطور که گفته حقیقتا معتقد به تمامیت ارضی کشور است نمیتواند و نباید هم عضو شورای تجزیه طلبان بشود و هم هزینه های «افق ایران» و شورا و سیرکردن شکم لاشخورهای منتظر تجزیه ایران را بپردازد.

❖ آقای فروزنده مدعی است که یکی از سازمان های سیاسی معروف از آقای درمانی مخ شونی کرده است.

این ادعا واهی است زیرا کسی که مخش سالم نباشد نمیتواند فعالیت تجاری سود آوری داشته باشد که طبق ادعا مخارج سنگین اندیشه و «افق ایران» و غیره را بپردازد.

### رای هیئت منصفه

در هیئت های منصفه رسم بر این است که پس از استماع و استحضار از موضوع، افرادی از همان هیئت برداشتهای خود را به اطلاع سایرین میرساند اکنون هم برعایت همان شیوه برداشت خود را حضور هیئت محترم خوانندگان عرض میکنم.

بودجه شورای تجزیه ایران و «افق ایران» و کلیه اقدامات مربوطه از سوی کشور آمریکا تامین میشود و بطوری که اسناد و اظهارات شخصیت های آمریکائی گواه است؛ خزانه داری آمریکا و جوهی به موسسات غیردولتی آمریکا از جمله بنیاد دموکراسی برای ایران ب مدیریت تیمرمن برای اهدافی که بظاهر متوجه دموکراسی و انتخابات آزاد و حقوق بشر است میپردازد و آن موسسات غیردولتی و جوه مربوطه ربا واسطه ایرانیانی که نقش صراف رابازی میکنند و محل اعتماد هم تا حدودی هستند به طرف واریز مینمایند.

آنچه عرض شد چیز تازه ای نیست بطور کلی مردم کشورها عار و ننگ میدانند که از بیگانه کمک مالی دریافت کنند و دولتها هم از افشای کمک به مخالفان دولتها واهمه دارند. دولتها که در مجرای کمک به ایادی و عمال خود در کشورهای دیگر قرار میگیرند هیچگاه مستقیم و از خزانه کشورشان پولی به عملجات خود در کشور دیگری نمیدهند.<sup>۲</sup>

در همین سالها عده ای از عملجات ایرانی آمریکا در زندان های جمهوری اسلامی با وثیقه های میلیون دلاری آزاد شدند وجه آن وثیقه ها را سلطان قابوس و پادشاه اردن به حساب آمریکا پرداخت کردند نه خزانه داری آمریکا.

در گذشته هم انگلیسی ها هر وقت نیاز داشتند که به عمه های ایرانی خودشان در ایران برای آشوب و غیره وجوهی بپردازند بوسیله برادران رشیدیان میدادند.

هزینه های شام و خوراک هزاران ایرانی در سفارت انگلیس در انقلاب مشروطیت راهم بنام تجار بازار پرداخت میشد نه دولت انگلستان.<sup>۳</sup>

در جریان واقعه میدان ژاله هزینه های تجمع شورشیان و غیره بوسیله شیخ نوری تامین میشد و در موقع دستگیری او ۴۰ هزار تومان وجه نقد هم همراه او بود.

در هنگامیکه خمینی در فرانسه اقامت داشت او هم اصرار داشت که هزینه های مبارزه او را بازاری ها میدهند ولی بعدها در کتاب پاسخ به تاریخ آمد که ۲۰۰ میلیون دلار قذافی در اختیار شورشیان گذاشت که مسلما به حساب آمریکا و انگلستان این پرداخت بعمل آمد.



همانطور که صراف به عقیده سیاسی و هدف دهنده و گیرنده پول اهمیتی نمیدهد و صراف به کمیسیون و حق العمل خود فکر میکند، آقای نادررتمانی هم به هدف تجزیه شورای تجزیه

طلبان و یا بی قیدی شورا به سلطنت و جمهوری و موارد مشابه اهمیتی نمیدهد مانند مرده شوی، که شستن مرده و دریافت مزد برایش مطرح است نه عقیده سیاسی مرده و اصولا کسب و کار راهی را میرود که باره مبارزه سیاسی برخورداردی نداشته باشد.

۲ - شرکت نفت ایران و انگلیس که در کنترل انگلیسی ها بود آگهی های بی مصرفی به «روزنامه باختر امروز» که مدعی بود ارگان جبهه ملی است، و توسط حسین فاطمی و شرکا اداره میشد، میداد که همان یک آگهی هزینه چاپ و توزیع روزنامه را کاملا تامین می کرد. اسرائیل به بسیاری از رسانه های ایران «رادیو و تلویزیون آگهی بی مصرفی با عنوان «ران آزاد» میداد که بارها در روز پخش میشد و دو عمل انجام میداد هم جاسوسی ایرانیانی که تماس می گرفتند را میکرد هم هزینه های رادیو تلویزیون هارا تامین می کرد. این روش در همه جا مرسوم است. شاید «مشتری ها موهومی» اتومبیل از آقای درتمانی می خردند و بجای بهای اصلی بهای کلانی بابت آن می پردازند. ح-ک

۳ - دیگ پولی سفارت بود و خرج تجار و روضه و عاظ - نگاره بالا را گنجاندم- ح-ک

### قطعیّت حکم هیئت منصفه

این نظریه در صورتی قابل تجدید نظر است که آقای درمانی آنرا تکذیب و متعاقبا اظهارنامه مالیاتی خودشان را مبنی بر اینکه هزینه های اندیشه و «افق ایران» در پاریس ولس آنجلس و حقوق و غیره را از درآمد کسبی خود پرداخت میکنند رابعنوان دلیل بر رد نظریه ارائه فرمایند.

تنها در ارائه آن سند معلوم خواهد شد که اعتباری که آقای درمانی برای هزینه های شورای تجزیه طلبان و «افق ایران» و غیره قائل شده است سالیانه چقدر است. زیرا از نظر اصولی و محاسباتی حتی هزینه های نظامی کشورها بصورت بودجه پیشاپیش تعیین میشود و هیچگاه و هیچ موردی وجود ندارد که بدون تعیین بودجه و تعهد نسبت به واریز آن یک فعالیت چه سیاسی و چه اقتصادی و نظامی شروع شدنی باشد.

آیا ممکن است کسی یک فعالیت سیاسی و یا اقتصادی و یا رسانه ای را شروع کند به امید اینکه یک فرد خاص هر قدر که آن فعالیت هزینه داشت پردازد آنهم برای مدت نامحدود و متقابلا آن فرد خاص هم خود را چنان اجیری بداند که هر چه آن فعالیت سیاسی ریخت و پاش و سوء استفاده داشت پیشاپیش پردازد.

بنده تصور میکنم که آمریکا کاشان نیست که کپه با فعله باشد.

به ادامه آن دل خوش بود اگر دلی باشد..